

جناب آقای مهندس سهیل نژاد

مدیرعامل محترم شرکت سایپادیزل

جناب آقای مهندس خاشعی

مدیرعامل محترم شرکت لیزینگ رایان سایپا

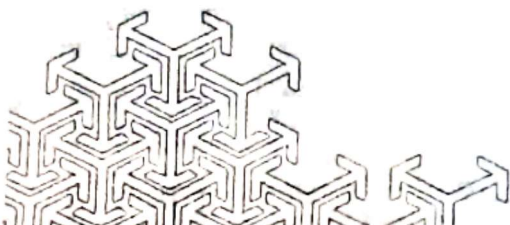
موضوع: ابلاغ رای داوری

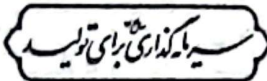
با سلام و احترام

با عنایت به موافقت نامه داوری شماره ۲۵۹۵۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ در خصوص رسیدگی و حل و فصل اختلاف دو شرکت در اجرای بند ۳-۱ موافقت نامه یاد شده، بدین وسیله نسخه‌ای از رای داوری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ صادره از سوی داور مرضی‌الطرفین، جهت استحضار و اجرا ابلاغ می‌گردد.

محمد هاشم سمتی
معاون حقوقی گروه

دبیرخانه مرکزی
شرکت لیزینگ رایان سایپا
شماره: ۱۰۴۳۳
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲





((رای داوری))

مقدمه

با عنایت به بروز اختلافات میان شرکت لیزینگ رایان سایپا (سهامی عام) و شرکت سایپا دیزل (سهامی عام) در خصوص قراردادهای، تعهدات مالی و روابط ناشی از توافق نامه ها و تعاملات تجاری فی مابین، و نظر به اینکه طرفین به منظور حل و فصل اختلافات خود خارج از مراجع قضایی مبادرت به امضای موافقت نامه داوری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ (پیوست شماره ۱) نمودند، بدین وسیله رسیدگی به موضوع و صدور رأی با اختیار صلح و سازش را صراحتاً به اینجانب به عنوان داور مرضی الطرفین واگذار کردند.

پس از اعلام اختلاف و تطبیق صلاحیت داور با مفاد موافقت نامه داوری و اطمینان از شمول موضوع اختلاف در قلمرو صلاحیت قراردادی، جلسه رسیدگی در تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ با حضور نمایندگان طرفین تشکیل گردید و طی آن، اظهارات و توضیحات طرفین با حضور جناب آقای سمتی معاون محترم حقوقی گروه خودروسازی سایپا استماع گردید و مستندات اولیه ارائه شد.

در جریان رسیدگی، علاوه بر لوائح و مستندات قراردادی، دفاتر مالی، صورت های تطبیق حساب، گزارش های حسابرسی و سایر پیوست های مرتبط نیز مورد بررسی دقیق قرار گرفت. همچنین، به منظور رعایت اصول دادرسی منصفانه و تضمین حق دفاع طرفین، فرصت کافی برای ارائه توضیحات تکمیلی و پاسخ به ادعاهای متقابل فراهم گردید و لوائح کتبی طرفین در دو نوبت تقدیم و تبادل شد.

در نهایت، با جمع بندی مفاد قراردادهای و توافق نامه های منعقد، اسناد و مدارک ارائه شده، رویه عملی طرفین در اجرای قراردادها، اصول حاکم بر حقوق مدنی و تجارت، قواعد آمره مربوط به داوری و موازین انصاف و عدالت قراردادی، فرایند داوری تکمیل گردید و اینجانب به عنوان داور منتخب، رأی حاضر را بر اساس مستندات و دلایل موجود و در چارچوب صلاحیت اعطاء شده به شرح آتی صادر می نمایم.

محدوده رسیدگی

با توجه به موافقت نامه داوری و لوائح تقدیمی طرفین، محدوده رسیدگی این داوری به شرح زیر بوده است:

در این پرونده، اصل بدهی به مبلغ هفت هزار و پانصد و هفتاد میلیارد ریال (۷۵۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) میان طرفین قطعی و غیرقابل نزاع است و هر دو شرکت بر وجود و انتقال آن اذعان دارند. بنابراین، اختلاف اصلی نه بر سر وجود یا میزان اصل دین، بلکه ناظر به آثار تبعی و افزوده های قراردادی بر این دین است. به بیان دیگر، پرسش اصلی این است که افزون بر اصل بدهی، مبالغی تحت عنوان سود یا وجه التزام به آن تعلق می گیرد یا خیر؟ و در صورت تعلق، ماهیت، اعتبار و دامنه این توافقی ها چیست؟ آیا رابطه طرفین عملیات لیزینگ محسوب می شود و از مالیات بر ارزش افزوده معاف است؟

اختلافات مطروحه در این داوری را می توان در چهار محور اساسی خلاصه کرد:

۱. وجود یا عدم وجود توافق بر سود یا وجه التزام: آیا طرفین در خصوص تعلق مبالغی افزون بر اصل بدهی تحت عنوان سود یا وجه التزام توافقی داشته اند یا خیر و مستندات این توافق کدام است؟

عزیز

سیرالنداری برای تولید

۲. در صورت وجود توافق ماهیت آن چیست؟ ماهیت حقوقی مبالغ مورد اختلاف چیست؟ آیا این مبالغ سود و بهره قراردادی هستند یا وجه التزام به عنوان خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی؟

۳. آیا توافق‌های طرفین در خصوص وجه التزام معتبر و لازم‌الاجراست یا با قواعد آمره و شاخص‌های رسمی در تعارض است؟ همچنین آیا این توافق‌ها مصداق ربح مرکب (سود بر سود) محسوب می‌شوند یا خیر؟

۴. دامنه و شمول توافق: آیا توافق‌های صورت گرفته تمامی دین منتقل شده را در بر می‌گیرد یا صرفاً بخشی از آن را شامل می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا لیزینگ صرفاً منتقل‌الیه یک طلب معین است یا قائم‌مقام سایپا در برابر سایپا دیزل؟

ساختار رأی

رأی حاضر با هدف پاسخ‌گویی منظم، مستدل و شفاف به محورهای اختلاف مطروحه میان طرفین، در قالب یک ساختار منطقی و مرحله‌به‌مرحله تنظیم گردیده است تا ضمن رعایت اصول دادرسی منصفانه، مسیر استدلال روشن باشد. این ساختار بر چهار بخش اصلی استوار است که به پرسش‌های بنیادین اختلاف می‌پردازد و در نهایت به جمع‌بندی و صدور منطوق رأی منتهی می‌شود.

در بخش نخست (الف)، موضوع بررسی وجود یا عدم وجود توافق میان طرفین در خصوص تعلق مبالغی افزون بر اصل بدهی تحت عنوان سود یا وجه التزام مطرح می‌شود. در این قسمت، با رجوع به تفاهم‌نامه سه‌جانبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ و قراردادهای بعدی، صورتجلسات رسمی، دفاتر مالی و صورت تطبیق‌های حساب‌های فی‌مابین، به تحلیل مستندات قراردادی و مالی پرداخته می‌شود تا روشن شود که آیا طرفین به طور صریح و معتبر توافقی در این خصوص داشته‌اند یا خیر.

در بخش دو (ب)، ماهیت حقوقی مبالغ مورد اختلاف مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش اصلی این است که آیا این مبالغ از جنس سود و بهره قراردادی هستند یا وجه التزام و تحت عنوان خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی. در این بخش با استناد به اراده طرفین مندرج در قراردادهای منشاء اقتصادی پرداخت‌ها، شرطیت وقوع پرداخت به تأخیر در تسویه و همچنین رویه حسابداری و ثبت‌های مالی، به تحلیل پرداخته می‌شود و ماهیت واقعی این مبالغ تعیین می‌گردد.

در بخش سوم (ج)، اعتبار توافق‌های طرفین در خصوص وجه التزام بررسی می‌شود. این بخش به امکان تعیین وجه التزام بالاتر از شاخص بانک مرکزی و ادعای ربح مرکب می‌پردازد. همچنین بررسی می‌گردد که آیا موضوع دعوی و توافقات طرفین تحت شمول قوانین و قواعد آمره بانکی است یا خیر؟ آیا تمامی اعمال حقوقی بانک‌ها و لیزینگ‌ها تحت شمول قوانین بانک مرکزی قرار می‌گیرد؟ بعلاوه، آیا قرارداد فی‌مابین به مفهوم اخص عملیات لیزینگ محسوب می‌گردد که متعاقب آن مشمول معافیت از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده گردد؟

در بخش چهارم (د)، دامنه و شمول توافق مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش اصلی این است که آیا انتقال طلب به معنای قائم‌مقامی کلی شرکت لیزینگ رایان سایپا در جایگاه شرکت سایپا بوده یا صرفاً انتقال یک طلب معین به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال صورت گرفته است.

در پایان، رأی با نتیجه‌گیری و منطوق نهایی خاتمه می‌یابد. در این بخش تمامی استدلال‌های پیشین جمع‌بندی شده و تکلیف قطعی شرکت سایپا دیزل در برابر شرکت لیزینگ رایان سایپا به طور صریح و غیرقابل تردید اعلام می‌شود. منطوق رأی به گونه‌ای تنظیم می‌گردد که قابلیت اجرا داشته باشد و هیچ ابهامی در خصوص میزان بدهی، ماهیت مبالغ افزوده،

محمد د. پ.

سیر گذاری برای تریس

اعتبار توافقی‌ها و دامنه شمول آنها باقی نماند. ذکر یک نکته در خصوص رسیدگی به موضوعات ارجاع شده به داور لازم و ضروری است نخست آنکه، این مرجع در مقام تشخیص و احراز ماهیت حقوقی موضوعات اختلافی، اقرارهای مندرج در دفاتر تجاری، اسناد قانونی و صورتجلسات طرفین را به عنوان دلیل مستقل و قاطع بر صحت ماهوی عمل حقوقی منشأ تلقی نمی‌نماید. مبنای اصلی رسیدگی، تحلیل حقوقی تعهدات با استناد به قوانین لازم‌الاجرا و قصد حقیقی متعاملین است که می‌بایست از کلیه ادله و قرائن معتبر استنباط گردد. بنابراین، صرف ثبت یک ادعا یا عمل در اسناد مذکور، به خودی خود، دال بر مشروعیت و صحت حقوقی منبع ایجادکننده آن نخواهد بود. ثانیاً، استناد به دفاتر تجاری به عنوان دلیل اثبات دعوی، صرفاً در چارچوب اثبات وقایع عینی و امور موضوعی است. مصادیق این امر شامل مواردی از قبیل تعیین مقدار دین منتقل شده، نرخ مورد توافق در قرارداد، گستره شمول تعهدات و محتوای اجراشده توافقات می‌باشد. به عبارت روشن‌تر، دفاتر طرفین و صورت‌های تطبیق مالی، در مقام انعکاس آثار و نتایج مالی ناشی از یک رابطه حقوقی (با فرض صحت) عمل می‌نمایند و فاقد وجاهت حقوقی برای تفسیر، توضیح یا تأیید اعتبار خود عقد منشأ می‌باشند.

برای مثال: درج مبلغ ثمن معامله در ستون بدهکار تاجر در دفاتر تجاری، به مثابه دلیل بر انعقاد صحیح عقد بیع محسوب نمی‌شود. با این حال، تا زمانی که آن عقد بیع به طور قضایی یا ترافعی ابطال نگردیده است، ثبت این اثر مالی در دفاتر، علیه دارنده آن به عنوان ادله اثباتی معتبر قابل استناد خواهد بود. این قاعده در مورد سایر موضوعات متنازع‌فیه نیز جاری است؛ به این بیان که ابطال یا تردید در مفاد دفاتر و صورت‌های مالی، منوط به اثبات بطلان یا عدم نفوذ خود عمل حقوقی مبنای ثبت در دفاتر مالی است.

شرح موارد اختلاف

الف) آیا طرفین توافقی برای تعیین سود یا وجه التزام داشته‌اند یا خیر؟ شمول این توافق یا توافقات و ارتباط آن‌ها با یکدیگر چیست؟ آیا مبالغ منتقل شده به موجب توافق نامه سه جانبه از قرارداد شماره ۵۲۷۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ (پیوست شماره ۳) مستثناه شده است؟

به موجب تفاهم‌نامه سه‌جانبه شماره ۱۰/۱۱۷۸/۱۰۳۷۵۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ (پیوست شماره ۴) به عنوان مبنای اولیه روابط قراردادی، مقرر شده نرخ‌ها و مقادیر نهایی از طریق صورت‌جلسات بعدی تکمیل گردد.

متعاقباً، طرفین مطابق صورتجلسه شماره ۵۳۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ (پیوست شماره ۵) و قرارداد شماره ۵۲۷۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱، نرخ سود مشارکت را به میزان ۲۶ درصد برای ایام باقی‌مانده سال ۱۴۰۱ تعیین و در دفاتر مالی طرفین ثبت نموده و تسویه مانده بدهی در پایان سال در تعهد سایپا دیزل قرار گرفته است.

بنابراین با توجه به تنظیم قرارداد شماره ۵۲۷۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱، طرفین نرخ سود مشارکت را به میزان ۲۶ درصد برای ایام باقی‌مانده سال ۱۴۰۱ تعیین و در دفاتر مالی طرفین ثبت نموده و تسویه مانده بدهی در پایان سال در تعهد سایپا دیزل قرار گرفته است. بنابراین حسب دفاتر طرفین و صورتجلسه شماره ۵۳۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۸، نرخ سود مشارکت را به میزان ۲۶ درصد برای ایام باقی‌مانده سال ۱۴۰۱ فی مابین طرفین توافق گردیده است.

عمران

سیارک‌گذاری برای تریب

با توجه به عدم تسویه مانده بدهی در پایان سال ۱۴۰۱ و تجمیع حساب‌های طرفین در سال ۱۴۰۲، طرفین قرارداد شماره ۸۴۶۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ را با نرخ سود جدید ۳۱٫۵ درصد منعقد نموده‌اند که مؤید استمرار و به‌روزرسانی توافقات پیشین است. این قرارداد به صراحت اشعار داشته که شامل کلیه بدهی شرکت دیزل به شرکت رایان سایپا (صرف‌نظر از موضوع قرارداد یادشده) می‌شود. (پیوست شماره ۶)

با مجموع این مستندات، به‌ویژه صورت تطبیق‌های حساب مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ (پیوست شماره ۷) می‌توان نتیجه گرفت که طرفین پس از انتقال اولیه طلب (به موجب توافق‌نامه سه‌جانبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸)، مانده بدهی (اصل و فرع) را برای بازه‌های زمانی مشخص، تعیین، ثبت و اعمال نموده‌اند.

با این وصف، می‌توان گفت طرفین تعلق مقدار زیاده بر اصل بدهی (فارغ از ماهیت حقوقی و قانونی بودن یا نبودن آن) را به عنوان شرط قراردادی مستقل، اراده نموده‌اند و این امر به موجب دفاتر رسمی، تصویب هیأت مدیره، تأیید حسابرسان و ممیزان مالیاتی و تطبیق حساب مشترک - که از حیث مالی ارزشمندترین و گویاترین سند پرونده به شمار می‌آید - مجموعه‌ای از قرائن محکم و پیوسته را فراهم ساخته که قطعیت وجود و میزان مانده بدهی را تثبیت می‌نماید. با توجه به عینی بودن مسئله، نادیده گرفتن اقرار و حقایق مندرج در اسناد مذکور تحت عناوینی چون اشتباه و فساد اقرار، مسموع نیست و عدول از اقرار طرفین برای این مرجع به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست.

ب) ماهیت توافق یادشده در صورت وجود چیست؟

در این بند باید به ماهیت حقوقی مبالغ مورد اختلاف میان طرفین در ارتباط با بدهی منتقل‌شده به مبلغ ۷٫۵۷۰ میلیارد ریال پرداخت. سؤال اصلی این است که آیا مبالغ محاسبه‌شده و مطالبه‌شده از سوی لیزینگ، ماهیتاً سود و بهره قراردادی هستند یا وجه التزام به معنای خسارت تأخیر (جریمه قراردادی)؟ تشخیص صحیح ماهیت از حیث اعتبار مبالغ تعیین‌شده اهمیت اساسی دارد.

پس از بررسی متن تفاهم‌نامه سه‌جانبه، قراردادهای متعاقب، صورت‌جلسات، صورت تطبیق‌های حسابی، دفاتر رسمی، مکاتبات طرفین و گزارش‌های حسابرسی، مشخص می‌گردد که مبالغ موضوع اختلاف از حیث ماهیت حقوقی، وجه التزام هستند و نه سود یا بهره قراردادی. دلایل این تشخیص به تفصیل بیان می‌گردد:

قرینه نخست: اراده صریح طرفین در متون قراردادی است. در قراردادها، عبارات مکرری وجود دارد که پرداخت را مشروط به عدم تسویه در موعد معین و تأخیر در انجام تعهد تسویه قرار داده است. آنچه در این عبارات برجسته است، نه اعطای اعتبار یا بهره‌جویی از سرمایه، بلکه واکنش قراردادی به نقض یا تخلف از تکلیف تسویه است. چنین سیاقی نشان می‌دهد که منظور از تعیین نرخ، صرفاً تعیین معیار کمی برای محاسبه جبران خسارت ناشی از تأخیر در تسویه بوده است، نه وضع بهره به عنوان قیمت استفاده از سرمایه. بدین سان، اراده قراردادی به وضوح رنگ و بوی تعزیری و جبرانی دارد.

قرینه دوم: تفکیک سود از وجه التزام باید بر مبنای کارکرد اقتصادی تبیین گردد. سود در عرف اقتصادی به عنوان ما به ازای در اختیار قرار دادن سرمایه با هدف کسب منفعت از سرمایه است؛ در حالی که وجه التزام، هدفی جبرانی و انتظامی دارد:

عمر ۴۵

- جبران زیان یا فشار بر مدیون برای اجرای تعهد در موعد مقرر. در پرونده حاضر، جریان اقتصادی قراردادهای بر مبنای مدیونیت شرکت سایپا دیزل (نه به واسطه اخذ تسهیلات، بلکه به واسطه قرارداد انتقال طلب) و حول تولید و تحویل خودرو جهت تسویه بوده و مبالغ مورد اختلاف تنها در واکنش به عدم ایفای تعهد تسویه (با تحویل خودرو به مشتریان یا پرداخت نقدی) ایجاد شده‌اند. هیچ قرینه‌ای دال بر این که لیزینگ از اعطای این مبلغ به عنوان سرمایه منفعتی مستقل کسب کرده یا اینکه دریافت مبلغ در قالب تسهیلات بوده است، مشاهده نمی‌شود. بنابراین، منشاء اقتصادی مبالغ (مازاد بر اصل) جبرانی است، نه منفعتی (سود).

قرینه سوم: شرطیت تعلق مبالغ مازاد بر اصل به رخداد تأخیر

در قراردادهای طرفین، شرط تعلق مازاد بر اصل طلب در صورت عدم تسویه در پایان سال و امثال آن وجود دارد. این وابستگی بین استحقاق داین به مبلغی مازاد بر اصل طلب و وقوع یک رویداد تخلفی (تأخیر در ایفای تعهد)، مشخصه بارز وجه التزام است. سود قراردادی معمولاً به طور دوره‌ای و فارغ از وقوع تخلف محاسبه می‌شود و اراده طرفین در قراردادهای تسهیلات، مشخصاً اخذ سود در دوره‌های زمانی مشخص است. پرداخت سود توسط تسهیلات‌گیرنده ناشی از تعهدات قراردادی است، نه ناشی از تخلفات قراردادی. در موضوع حاضر، پرداخت منوط و معلق به تحقق تخلف (تأخیر) شده است. این رابطه شرطی آشکارا نشانگر آن است که مبالغ جهت جبران آثار تخلف معین شده‌اند. به بیان دیگر، این قید زمانی و شرطی، ویژگی ذاتی وجه التزام را نمایان می‌سازد.

قرینه چهارم: روند ثبت حسابداری و نقش حسابرسان

نحوه ثبت در دفاتر، تبدیل مانده به طلب قطعی پس از وقوع عدم تسویه، و تأیید و تطبیق‌های حسابرسان دلالت دارد که طرفین مبالغ را به عنوان آثار عدم ایفای تعهد و نه به عنوان درآمد حاصل از اعطای اعتبار شناخته‌اند. ثبت حسابداری و تصویب در هیأت مدیره با قیدهای دال بر جبران تأخیر یا مطالبه بابت عدم تسویه، به عنوان شواهد رفتار عملی طرفین اهمیت بسزایی دارد.

قرینه پنجم: قرائن انضمامی و رفتار طرفین

مکاتبات داخلی، صورت جلسات تطبیق حساب مشترک، اعلام‌های رسمی مدیران مالی و اقدامات عملی طرفین که پرداخت را در چارچوب رسیدگی به عدم تسویه تصویب و ثبت نموده‌اند، همگی در جهت تقویت صبغه جبرانی قرار دارند.

ج) آیا توافق یادشده معتبر است یا خیر؟

آیا وجه التزامی که طرفین در قراردادهای خود به عنوان خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی تعیین کرده‌اند، لازم‌الرعايه است یا خیر؟ آیا تعیین چنین مبالغی ممکن است با قواعد آمره یا شاخص‌های رسمی تورم در تعارض باشد؟ آیا شرکت لیزینگ می‌تواند با لحاظ قوانین بانک مرکزی چنین توافقاتی را منعقد نماید؟ آیا رقم توافق شده، بهره مرکب است؟

با توجه به سوالات فوق‌الذکر، این مرجع به صحت گزاره‌های زیر اعتقاد دارد:

ج-۱- گزاره نخست: وجه التزام می‌تواند بالاتر از نرخ شاخص بانک مرکزی باشد.

دلایل صحت این گزاره از قرار زیر است:

عکس ۱۷

سیرالکندی برای تریس

اول - اصل آزادی قراردادی و ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی: اصل بنیادین در حقوق خصوصی ایران، آزادی اراده و اصل حاکمیت قراردادهاست. ماده ۱۰ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد که قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است. در همین راستا، ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح می‌کند: «در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد.» این حکم صریح قانونی نشان می‌دهد که قانونگذار توافق طرفین در خصوص تعیین خسارت را معتبر دانسته و دادگاه یا داور مکلف است مطابق آن رفتار کند. بنابراین، هرگاه طرفین به طور روشن و صریح وجه التزامی را برای جبران تأخیر در ایفای تعهدات پولی پیش‌بینی کرده باشند، این توافق لازم‌الرعایه است و نمی‌توان آن را به بهانه‌های کلی نادیده گرفت.

دوم - ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و امکان مصالحه طرفین: ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م در مقام بیان قاعده‌ای عام برای جبران خسارت ناشی از تغییر شاخص قیمت سالانه، مقرر می‌دارد که دادگاه می‌تواند با رعایت تناسب تغییر شاخص، حکم به پرداخت خسارت دهد. اما در پایان همین ماده، قید مهمی آمده است: «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.» این عبارت آشکارا دلالت دارد که قانونگذار توافق خصوصی طرفین را بر مکانیزم قانونی ترجیح داده و آن را معتبر شناخته است. به بیان دیگر، حتی در جایی که قانون برای جبران خسارت تأخیر، شاخص رسمی بانک مرکزی را ملاک قرار داده، باز هم به طرفین اجازه داده است که با توافق خود، شیوه‌ای دیگر برای تعیین خسارت برگزینند. بنابراین، توافق طرفین در خصوص وجه التزام، به عنوان مصداق بارز مصالحه، معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود.

سوم - رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ - ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ به صراحت اعلام کرده است که: «تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی، مشمول اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است و حتی اگر مبلغ وجه التزام بیش از شاخص‌های رسمی باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین آمره از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است.» این رأی وحدت رویه به موجب ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای کلیه مراجع قضایی و غیر قضایی لازم‌الاتباع است.

ج-۲- گزاره دوم: وجه التزام توافق شده مشمول قوانین بانکی نیست.

شرکت سایپا دیزل مدعی است قراردادهای منعقد شده تحت شمول مقررات بانکی و مصوبات شورای پول و اعتبار است. این ادعا صحیح نیست، زیرا دایره شمول ضوابط بانک مرکزی صرفاً در خصوص قراردادهای تسهیلاتی است و ناظر بر عقود تسهیلاتی و بانکی است. صرف داین بودن لیزینگ رایان سایپا و مدیون بودن شرکت سایپا دیزل، شرط لازم و کافی برای حاکمیت قواعد بانکی بر روابط فی‌مابین نیست. زیرا عناوینی چون «داین، مدیون، دین، تعهد، متعهد و متعهدله» می‌توانند ناشی از عقود گوناگون باشند و خود عناوین یادشده «عقد» محسوب نمی‌شوند. در این خصوص شرکت سایپا دیزل به نامه شماره ۱۷۹۶۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ سازمان بازرسی کل کشور خطاب به شرکت سایپا (پیوست شماره ۸) استناد نموده است. در نامه مذکور نیز بنظر می‌رسد میان ماهیت قراردادهای پایه منعقد فی مابین شرکت سایپا دیزل و شرکت رایان سایپا از یک طرف و قراردادهای فروش اقساطی میان مشتریان شرکت سایپا دیزل و شرکت رایان سایپا از طرف دیگر خلط شده است. قراردادهای فروش اقساطی میان مشتریان شرکت سایپا دیزل و شرکت رایان سایپا، تابع مقررات بانک مرکزی راجع به عملیات لیزینگ هستند و در شروط و نرخ تابع مقررات خاص ناظر به بانک مرکزی تابع مقررات خاص بانک

عمر

سیارک آزادی برای تریب

مرکزی هستند. اما قراردادهای پایه میان شرکت سایپا دیزل و رایان سایپا به عنوان مقدمه فروش اقساطی به خودی خود، قرارداد فروش اقساطی (لیزینگ) محسوب نمی‌شوند و ادعای لزوم تبعیت آنها از مقررات خاص بانک مرکزی در این مورد موجه نیست. بدیهی است قوانین بانکی ناظر بر عقود خاص است. بدین مفهوم که اگر عنوان داین و مدیون ناشی از عقود بانکی باشد، لاجرم حاکمیت قواعد بانکی را باید بر موضوع پذیرفت. ولیکن اگر ناشی از عقود دیگر باشند، امکان توسعه قواعد بانکی (با توجه به اصل آزادی قراردادها) بر کلیه عقود، خلاف اصل بوده و پذیرفته نیست. فی‌المثل، آیا بانک‌ها در فروش ملک و درج خسارت تأخیر در ایفای تعهد، ملزم به رعایت قواعد بانک مرکزی هستند؟ یا اینکه بانک‌ها حق دریافت خسارت تأخیر تأدیه چک را ندارند؟ در پرونده حاضر، روابط طرفین دالر مدار عقد انتقال طلب است، نه قرارداد تسهیلاتی خاص.

توجه به این واقعیت در رابطه میان طرفین ضروری است که خود قراردادهای پایه فی مابین ماهیتاً عقد لیزینگ نیستند بلکه قراردادی هستند که شکل دهنده توافق طرفین برای ایجاد زمینه انعقاد قراردادهای فروش اقساطی محصولات شرکت سایپادیزل توسط شرکت رایان سایپا، بنابراین واضح است که قراردادهای فروش محصول میان شرکت رایان سایپا و مشتریان قرارداد لیزینگ محسوب می‌شوند و تابع مقررات بانک مرکزی و تلقی قرارداد پایه میان دو شرکت به عنوان قرارداد لیزینگ و انتظار شمول مقررات بانک مرکزی درخصوص عملیات لیزینگ رابطه پایه خطای آشکار است. با این وصف، قرارداد حاضر تحت حاکمیت قواعد بانکی نمی‌باشد. در نتیجه، می‌توان به صراحت گفت عملیات انجام شده، عملیات لیزینگ به مفهوم اخص نیست و به همین ترتیب، موارد گفته شده مشمول معافیت مالیات بر ارزش افزوده نمی‌گردد.

ج-۳- گزاره سوم: وجه التزام توافق شده، ربح مرکب نیست.

سایپا دیزل ادعا دارد که لیزینگ رایان سایپا در محاسبات خود از روش ربح مرکب استفاده کرده است. پاسخ لیزینگ این است که رابطه قراردادی میان طرفین، مشارکت در تولید و فروش اقساطی بوده و مطابق بند ۵-۳ قرارداد، در صورت عدم اجرای مفاد، سود سالیانه صرفاً بر مبنای مانده روزانه مطالبات و بر نرخ مصوب محاسبه می‌شود؛ و مانده قطعی پایان سال به عنوان اصل بدهی، مبنای قرارداد سال بعد قرار گرفته است. در محاسبات واقعی، هیچ سود تحقق نیافته‌ای به عنوان پایه جدید محاسبه منظور نشده است.

در تحلیل این موضوع باید گفت که ربح مرکب (سود بر سود) زمانی محقق می‌شود که سودی که هنوز به عنوان بدهی قطعی نشده و صرفاً سود متعلق به بدهی باشد، به طور خودکار و بدون توافق جدید به پایه سود بعدی تبدیل شود و سپس بر آن سود جدیدی نیز اعمال گردد. اما چنانچه طرفین در جریان قرارداد یا با رفتار قراردادی مکتوب و ثبت‌شده، عملاً مانده پایان دوره را به عنوان اصل قطعی تلقی کنند و درباره مبنای تسویه سال بعد توافق نمایند، افزایش مانده به سبب سود سال گذشته، جنبه پذیرفته و تبدیل‌شده به اصل می‌یابد و اعمال نرخ جدید بر آن مانده، نتیجه توافق قراردادی درباره مانده قابل مطالبه است، نه کاربرد خودسرانه مکانیزم مرکب. به بیان روان‌تر، ربح مرکب زمانی محقق می‌شود که سود تعلق گرفته اما هنوز قطعی نشده، بدون هرگونه توافق جدید به طور خودکار جزو «اصل» قرار گیرد و سپس بر آن سود تازمادی محاسبه شود؛ اما اگر طرفین در جریان قرارداد یا با رفتاری مکتوب و ثبت‌شده، مانده پایان دوره را به عنوان اصل قطعی شناخته و برای نحوه تسویه سال بعد بر آن توافق کنند، اضافه شدن سود سال قبل به مانده و اعمال نرخ جدید بر آن، نتیجه توافق قراردادی در تعیین مانده قابل مطالبه است. به خصوص آنکه بند ۵-۳ مقرر می‌دارد سود سالیانه بر مبنای مانده روزانه مطالبات محاسبه شود. ملاک، روش محاسباتی قراردادی است. این بند صریحاً شیوه محاسبه سود را معین

۱۴۴۶

سیرالکذاشی برای تولید

ساخته و تثبیت شیوه محاسبات در دفاتر، گزارش حسابرس و صورت تطبیق، دلالت بر پذیرش روش از سوی طرفین دارد. بنابراین، اگر مانده پایان سال بر پایه تطبیق حساب قطعی شناخته شود و طرفین بر آن اساس سال بعد را آغاز کنند، این رویه ناشی از توافق و مبدأ قراردادی است، نه اعمال ربح مرکب به معنای حقوقی آن. بر این اساس، اگر سود متعلق صرفاً بر اساس توافق ثبت شده و تطبیق حساب به عنوان مانده قطعی پایان دوره شناخته شده و طرفین بر مبنای آن سال بعد را آغاز کرده اند، اعمال نرخ دوره جدید بر آن مانده، نتیجه توافقی قراردادی است و نه محاسبه خودسرانه. از طرف دیگر برای شرکت سایپا دیزل این امکان فراهم بوده است که مبلغ اصل و مازاد منتقل شده از سال قبل به مبلغ سال جدید را در فرصت قراردادی پرداخت کرده یا برای اجرای قرارداد خودرو تخصیص داده و از محاسبه جریمه تاخیر با ایفای تعهد بگریزد. در نتیجه، ادعای شرکت سایپا دیزل مبنی بر اینکه شرکت لیزینگ رایان سایپا در محاسبات خود از روش ربح مرکب استفاده کرده و سود بر سود را منظور داشته، مورد بررسی دقیق قرار گرفت و کاملاً مردود است. محاسبات و روش متخذ شده از سوی لیزینگ در چارچوب قرارداد و مستندات حسابداری مندرج و تصویب شده، معتبر و لازم الاجرا شناخته می شود.

(د) دامنه و شمول توافق چیست؟ آیا تمامی دین را در بر می گیرد یا صرفاً بخشی از آن را شامل می شود؟

مطابق بند یک توافق نامه سه جانبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸، طلب شرکت سایپا از شرکت سایپا دیزل به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال به شرکت لیزینگ رایان سایپا منتقل و معادل همین مبلغ از بدهی شرکت سایپا به لیزینگ کسر گردیده است. همچنین در بند ۲ مقرر گردیده شرکت سایپا دیزل در قالب قرارداد جداگانه، خودروهای تجاری را به لیزینگ واگذار نماید تا لیزینگ در چارچوب عملیات لیزینگ به مشتریان واگذار کند.

شرکت لیزینگ رایان سایپا در دفاعیات خود اظهار داشته است که صرفاً به عنوان منتقل الیه بخشی از مطالبات سایپا در برابر سایپا دیزل شناخته می شود و مبلغ مندرج به عنوان اصل طلب لیزینگ رایان سایپا از سایپا محسوب می گردد و این انتقال به هیچ وجه موجب قائم مقامی وی در جایگاه و شخصیت حقوقی سایپا یا حتی نحوه محاسبه و منشاء آن نمی شود، مگر در حدود همان طلب منتقل شده. در مقابل، شرکت سایپا دیزل استدلال نموده است که در توافق نامه سه جانبه صراحتاً ذکر گردیده است که بدهی شامل اصل و فرع بوده و بند یک بر این موضوع تأکید دارد و بنابراین، عیناً این طلب با همان اوصاف و ویژگی ها به شرکت لیزینگ منتقل گردیده و شرکت سایپا دیزل متعهد به ایفای آن است.

در مقام تحلیل حقوقی، دو برداشت ممکن از این انتقال وجود دارد. برداشت نخست آن است که انتقال به معنای قائم مقامی بوده و لیزینگ جایگزین سایپا در برابر سایپا دیزل شده است. در این صورت، سایپا دیزل می تواند همان ایرادها و دفاعیاتی را که در برابر سایپا داشت، در برابر لیزینگ نیز مطرح نماید و به اجزای طلب و منشاء آن استناد کند. برداشت دوم آن است که آنچه رخ داده، صرفاً انتقال یک طلب معین به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال از سایپا به لیزینگ بوده و به همان میزان نیز از بدهی سایپا به لیزینگ کاسته شده است. در این تحلیل، لیزینگ صرفاً منتقل الیه طلب است و قائم مقامی کلی رخ نداده است. بنابراین، پس از انتقال، دیگر اجزای تشکیل دهنده طلب (اصل یا فرع) و منشاء آن موضوعیتی ندارد، زیرا آنچه منتقل شده، کل طلب است و به همان میزان تهاتر صورت گرفته است.

با توجه به مفاد توافق نامه و قواعد عمومی انتقال طلب در حقوق ایران، و به ویژه با لحاظ این اصل که در مقام تردید، انتقال طلب مفروض است نه قائم مقامی، برداشت دوم با واقعیت حقوقی منطبق تر است. آنچه رخ داده، انتقال یک طلب معین بوده است، نه قائم مقامی کلی. در این مسیر، طلب، صرف نظر از آنکه از چه چیزی ناشی شده و بی توجه به اینکه از چه

حکم صادر شد

سیرالکذازی برای تویس

اجزایی تشکیل یافته، به دیگری منتقل شده است. بنابراین، طلب شرکت سایپا از شرکت سایپا دیزل به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال، صرف نظر از اجزای تشکیل دهنده (اعم از اصل و فرع) و منشأ آن، به صورت کامل به شرکت لیزینگ رایان سایپا منتقل گردیده و به تبع این انتقال، دقیقاً به همان میزان از اصل بدهی شرکت سایپا به لیزینگ رایان سایپا کسر شده و این تهاتر قراردادی صحیح و نافذ است. شرکت لیزینگ رایان سایپا در برابر شرکت سایپا دیزل، ذی حق در مطالبه کل مبلغ منتقل شده می باشد.

در ضمن، از حیث اصل تعلق سود، با توجه به اینکه در این بند نسبت به ماهیت انتقال تصریح شد (انتقال طلب رخ داده، نه قائم مقامی)، معنای عملی آن این است که لیزینگ مالک یک حق مالی یکپارچه به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال شده و تفکیک اجزای درونی طلب (اصل و فرع پیشین) در مقام اثر انتقال بی اهمیت است. بنابراین، مطالبه سود جدید بر فرع مستتر در مبلغ منتقل شده، مصداق ربح مرکب نخواهد بود و طرفین می توانند نسبت به مانده بدهی یکپارچه پس از انتقال، با توافق صریح و مکتوب، شرایط پرداخت و نرخ های سود یا خسارت را برای دوره های آتی تعیین کنند. چنین توافقی، از حیث حقوقی، شرط قراردادی مستقل و معتبر بر مانده بدهی است و ماهیت آن با سود بر سود تفاوت دارد؛ زیرا بر یک مانده بدهی واحد اعمال می شود، نه بر اجزای فرعی سابق آن. در این چارچوب، در تعیین نرخ سود قابل اعمال، ملاک توافقات کتبی طرفین در مواعد مربوطه است و نه بازشناسی اجزای درونی طلب اولیه. بر این اساس، برای ایام باقی مانده سال ۱۴۰۱، (مطابق صورتجلسه شماره ۵۳۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۸) نرخ ۲۶ درصد مقرر و لازم الاجرا است و با توجه به ثبت در دفاتر طرفین و تعهد تسویه در پایان سال، این نرخ بر مانده بدهی همان دوره اعمال می گردد. در سال ۱۴۰۲، به دلیل عدم تسویه و تجمیع مطالبات، نرخ ۳۱,۵ درصد موضوع قرارداد ۸۴۶۰ معتبر و بر مانده بدهی موضوع آن دوره اعمال می شود. چنانچه در هر مقطع زمانی، پرداخت صورت نپذیرد و مانده بدهی به دوره بعد منتقل شود، ملاک، نرخ مورد توافق همان دوره است.

نتیجه گیری رای داور

با عنایت به جمیع اوراق و مستندات پرونده، لوایح تقدیمی طرفین، صورت جلسات و قراردادهای متعاقب، دفاتر رسمی و گزارش های حسابرسی، و با لحاظ اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای داور و با توجه به محورهای اختلاف، این مرجع داور به شرح زیر رای می دهد:

نخست باید تأکید شود که میان طرفین در خصوص اصل بدهی هیچ گونه اختلافی وجود ندارد. به موجب توافق نامه سه جانبه و مستندات مالی و حسابداری ارائه شده، مبلغ هفت هزار و پانصد و هفتاد میلیارد ریال به عنوان دین قطعی شرکت سایپا دیزل در برابر شرکت لیزینگ رایان سایپا مورد پذیرش هر دو طرف قرار گرفته است. این مبلغ در قراردادها، صورت جلسات و دفاتر رسمی طرفین ثبت و تأیید شده و حتی در لوایح تقدیمی نیز مورد انکار واقع نشده است. بنابراین، اصل دین مسلم و غیرقابل تردید است و اختلافات مطروحه در این داور صرفاً ناظر به آثار تبعی آن، از جمله تعلق یا عدم تعلق وجه التزام، ماهیت این مبالغ، اعتبار توافقاتی های مربوط و دامنه شمول آنها می باشد.

در خصوص محور نخست اختلاف، یعنی وجود یا عدم وجود توافق میان طرفین درباره تعلق مبالغی افزون بر اصل بدهی تحت عنوان سود یا وجه التزام، پس از بررسی دقیق مستندات پرونده، روشن می شود که چنین توافقی به طور صریح و مکتوب میان طرفین وجود داشته است. تفاهم نامه سه جانبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ مبنای اولیه روابط قراردادی را فراهم کرده و در ادامه، قرارداد شماره ۵۲۷۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ و صورت جلسه شماره ۵۳۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۸، نرخ ۲۶

مهر و امضاء

درصد را برای ایام باقی مانده سال ۱۴۰۱ تعیین کرده‌اند. این نرخ در دفاتر مالی طرفین ثبت و به تصویب مراجع داخلی شرکت‌ها و تأیید حسابرسان رسیده است. در سال بعد نیز به دلیل عدم تسویه و تجمیع مطالبات، قرارداد شماره ۸۴۶۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ با نرخ ۳۱٫۵ درصد منعقد گردیده که استمرار و به‌روزرسانی توافق پیشین را نشان می‌دهد. این توافق‌ها در صورت تطبیق‌های حساب مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ (پیوست شماره ۸) و ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ نیز انعکاس یافته و به عنوان اسناد رسمی و قطعی مورد پذیرش طرفین قرار گرفته است. افزون بر این، رفتار عملی شرکت سایپا دیزل در ثبت این مطالب در دفاتر رسمی، تصویب آنها در هیأت مدیره و تأیید حسابرسان و ممیزان مالیاتی، قرینه‌ای محکم بر پذیرش و التزام به توافقی‌های مزبور است. ادعای متاخر این شرکت مبنی بر «اشتباه در اقرار» با توجه به این مجموعه مستندات و اقرارهای مکرر و ثبت‌شده، فاقد وجهت حقوقی است؛ زیرا ثبات و اعتماد در روابط تجاری اقتضاء دارد که چنین اقرارهایی معتبر شناخته شوند و نقض آنها تنها با دلایل متقن و سند اصلاحی رسمی ممکن است. در حالی که چنین دلایلی ارائه نشده است. بنابراین، این مرجع داوری نتیجه می‌گیرد که توافق طرفین بر تعلق وجه التزام به مانده بدهی محرز و معتبر است و نرخ‌های مقرر ۲۶ درصد برای سال ۱۴۰۱ و ۳۱٫۵ درصد برای سال ۱۴۰۲ لازم‌الاجرا می‌باشند.

در محور دوم اختلاف، پرسش اصلی ناظر بر ماهیت حقوقی مطالبه از سوی شرکت لیزینگ رایان سایپا است؛ اینکه آیا این مطالب باید به عنوان سود و بهره قراردادی تلقی شوند یا به عنوان «وجه التزام ناشی از تأخیر در ایفای تعهدات پولی». بررسی دقیق تفاهم‌نامه سه‌جانبه، قراردادهای متعاقب، صورت جلسات رسمی، دفاتر مالی، مکاتبات طرفین و گزارش‌های حسابرسی نشان می‌دهد که این مطالب ماهیتاً وجه التزام قراردادی هستند. نخست آنکه در کلیه اسناد، پرداخت این مطالب مشروط به عدم تسویه در موعد مقرر و تأخیر در انجام تعهد ذکر شده است؛ این شرطیت آشکارا بیانگر آن است که مطالب یادشده واکنشی به نقض تعهد و تأخیر در ایفای آن هستند، نه بهایی برای استفاده از سرمایه. دوم آنکه از منظر اقتصادی، سود قراردادی در برابر اعطای سرمایه و امکان بهره‌برداری از آن قرار می‌گیرد، در حالی که وجه التزام هدفی جبرانی و انتظامی دارد. در این پرونده، هیچ نشانه‌ای از اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری جدید وجود ندارد و مطالب صرفاً در واکنش به عدم ایفای تعهد تسویه ایجاد شده‌اند. سوم آنکه در اسناد مالی و صورت جلسات، پرداخت این مطالب همواره منوط به تحقق تأخیر در تسویه بوده است؛ این وابستگی به وقوع یک رویداد تخریفی، ویژگی بارز وجه التزام است. در حالی که سود قراردادی معمولاً به طور دوره‌ای و مستقل از وقوع تخلف محاسبه می‌شود. چهارم آنکه نحوه ثبت حسابداری و تأیید حسابرسان نیز مؤید همین معناست، زیرا مطالب مزبور پس از وقوع عدم تسویه به عنوان طلب قطعی شناسایی و در دفاتر ثبت شده‌اند و این شیوه ثبت نشان می‌دهد که طرفین آنها را به عنوان آثار تأخیر در ایفای تعهد تلقی کرده‌اند، نه به عنوان درآمد ناشی از اعطای اعتبار. افزون بر این، رفتار عملی طرفین از جمله مکاتبات داخلی، صورت جلسات تطبیق حساب و تصویب‌های رسمی، همگی در جهت تقویت این برداشت است که مطالب مورد اختلاف جنبه جبرانی داشته و به عنوان وجه التزام شناخته شده‌اند. بر این اساس، این مرجع داوری نتیجه می‌گیرد که مطالب مورد اختلاف میان طرفین، ماهیتاً وجه التزام قراردادی هستند که به عنوان خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی تعیین شده‌اند و نه سود یا بهره بانکی. بنابراین، مبنای اعتبار و قابلیت مطالبه آنها توافق صریح و مکتوب طرفین است که باید در چارچوب قواعد مربوط به وجه التزام، از جمله ماده ۲۳۰ قانون مدنی و مواد ۵۱۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ارزیابی و اجرا شود.

در محور سوم اختلاف، موضوع اصلی اعتبار توافق‌های طرفین در خصوص وجه التزام و همچنین ادعای شرکت سایپا دیزل مبنی بر اینکه این توافق‌ها یا با قواعد آمره بانکی و شاخص‌های رسمی تورم در تعارض اند و یا مصداق ربح مرکب محسوب می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفت. در این زمینه، پس از آنکه رابطه پایه میان طرفین به قرارداد خارج از شمول مقررات

فرموده

سیرالنداری برای تولید

خاص بانک مرکزی ناظر به عقود لیزینگ توصیف شد، نخست باید به اصل بنیادین آزادی قراردادی اشاره کرد که در مواد ۱۰ و ۲۳۰ قانون مدنی به رسمیت شناخته شده است. مطابق این اصل، قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ و لازم‌الاجراست. افزون بر این، ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح می‌کند که هرگاه قرارداد خاصی راجع به خسارت میان طرفین منعقد شده باشد، برابرهان قرارداد رفتار خواهد شد. بنابراین، توافق صریح طرفین در خصوص وجه التزام، حتی اگر میزان آن بیش از شاخص‌های رسمی بانک مرکزی باشد، معتبر و لازم‌الاجراست.

از سوی دیگر، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی که قاعده‌ای عام برای جبران خسارت ناشی از تغییر شاخص قیمت سالانه مقرر می‌دارد، «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند» این عبارت آشکارا نشان می‌دهد که قانونگذار توافق خصوصی طرفین را بر قاعده قانونی ترجیح داده و آن را معتبر شناخته است. در همین راستا، رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز تأکید کرده است که تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی، مشمول اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است و حتی اگر مبلغ وجه التزام بیش از شاخص‌های رسمی باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین آمره از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است. این رأی وحدت رویه به موجب ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای کلیه مراجع قضایی و غیر قضایی لازم‌الاتباع است و داور نیز مکلف به تبعیت از آن است.

در خصوص ادعای ربح مرکب نیز، بررسی دقیق قراردادهای به ویژه بند ۵-۳ و رویه عملی طرفین نشان می‌دهد که چنین ادعایی فاقد وجهت است. ربح مرکب زمانی تحقق می‌یابد که سودی که هنوز به عنوان بدهی قطعی نشده است، بدون توافق جدید و صرفاً به طور خودکار به اصل بدهی افزوده شود و سپس بر آن سود تازه‌ای نیز محاسبه گردد. در حالی که در این پرونده، مانده پایان هر سال پس از تطبیق حساب و ثبت در دفاتر رسمی به عنوان اصل قطعی بدهی شناخته شده و طرفین بر مبنای آن برای سال بعد توافق کرده‌اند. بنابراین، افزایش مانده به سبب سود سال گذشته، نتیجه توافق قراردادی و ثبت رسمی طرفین است و نه اعمال خودسرانه مکانیزم مرکب. به بیان دیگر، آنچه رخ داده، تبدیل سود سالانه به مانده قطعی و سپس اعمال نرخ جدید بر آن مانده است که از نظر حقوقی تفاوت ماهوی با ربح مرکب دارد.

بر این اساس، این مرجع دآوری نتیجه می‌گیرد که توافق‌های طرفین در خصوص وجه التزام معتبر و لازم‌الاجراست. تعیین نرخ‌های بالاتر از شاخص بانک مرکزی با استناد به اصل آزادی قراردادی و رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور صحیح و نافذ است و ادعای شرکت سایپا دیزل مبنی بر ربح مرکب مردود می‌باشد.

در محور چهارم اختلاف، موضوع اصلی دامن و شمول توافق و ماهیت انتقال طلب است؛ اینکه آیا انتقال صورت گرفته به معنای قائم‌مقامی کلی شرکت لیزینگ رایان سایپا در جایگاه شرکت سایپا بوده یا صرفاً انتقال یک طلب معین به مبلغ ۷۵۷۰ میلیارد ریال. بررسی مفاد توافق‌نامه سه‌جانبه و قواعد عمومی انتقال طلب در حقوق ایران نشان می‌دهد که آنچه رخ داده، انتقال یک طلب مشخص و معین است و نه قائم‌مقامی کلی. به موجب بند یک توافق‌نامه، طلب شرکت سایپا از شرکت سایپا دیزل به مبلغ یادشده به لیزینگ منتقل و معادل همان مبلغ از بدهی شرکت سایپا به لیزینگ کسر گردیده است. این سازوکار دقیقاً منطبق با نهاد انتقال طلب است که در آن طلبکار جدید صرفاً در حدود همان طلب منتقل‌شده جانشین طلبکار پیشین می‌شود و قائم‌مقامی کلی در جایگاه و شخصیت حقوقی او پیدا نمی‌کند.

مهر و امضاء

سیرالیزینگ برای تریب

از این رو، پس از انتقال، دیگر اجزای تشکیل دهنده طلب اعم از اصل یا فرع و منشأ آن موضوعیتی ندارد، زیرا آنچه منتقل شده، «کل طلب» به مبلغ معین است و به همان میزان نیز تهاثر صورت گرفته است. بنابراین، شرکت لیزینگ رایان سایپا صرفاً منتقل‌الیه این طلب معین است و ذی‌حق در مطالبه کل مبلغ منتقل شده از شرکت سایپا دیزل می‌باشد، بی‌آنکه قائم‌مقام کلی شرکت سایپا در روابط و ایرادات پیشین محسوب شود.

نتیجه عملی این تحلیل آن است که لیزینگ مالک یک حق مالی یکپارچه به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال شده و تفکیک اجزای درونی طلب (اصل و فرع پیشین) در مقام اثر انتقال بی‌اهمیت است. به همین دلیل، مطالبه سود یا وجه التزام جدید بر فرع مستتر در مبلغ منتقل شده، مصداق سود بر سود نخواهد بود، بلکه توافقی‌های بعدی طرفین درباره نرخ‌های ۲۶ درصد در سال ۱۴۰۱ و ۳۱,۵ درصد در سال ۱۴۰۲، شروط قراردادی مستقل و معتبر بر مانده بدهی یکپارچه محسوب می‌شوند. در نتیجه، دامنه و شمول توافق شامل کل طلب منتقل شده است و شرکت لیزینگ رایان سایپا ذی‌حق در مطالبه تمام آن به همراه وجه التزام‌های مقرر می‌باشد.

منطوق نهایی رأی

با توجه به بررسی‌های انجام شده در چهار محور اصلی اختلاف، مستندات قراردادی و مالی، لوائح تقدیمی طرفین و با استناد به مواد ۱۰ و ۲۳۰ قانون مدنی، مواد ۵۱۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، این مرجع داوری به شرح زیر رأی خود را صادر و اعلام می‌نماید:

۱. اصل دین: دین شرکت سایپا دیزل در برابر شرکت لیزینگ رایان سایپا به مبلغ هفت هزار و پانصد و هفتاد میلیارد ریال (۷,۵۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) قطعی و مسلم است و در این خصوص هیچ گونه اختلافی میان طرفین وجود ندارد.

۲. ماهیت مطالبه مورد اختلاف: مطالبه ناشی از توافقی‌های مزبور، ماهیتاً وجه التزام قراردادی محسوب می‌شوند و نه سود یا بهره بانکی. این مطالبه به عنوان خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی تعیین شده‌اند و قابلیت مطالبه دارند.

۳. اعتبار توافقی‌ها: توافقی‌های طرفین در خصوص وجه التزام معتبر و لازم‌الاجراست و تعیین نرخ‌های بالاتر از شاخص بانک مرکزی با استناد به اصل آزادی قراردادی و رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور صحیح و نافذ است. ادعای شرکت سایپا دیزل مبنی بر «ریج مرکب» مردود است؛ زیرا مانده پایان هر سال به عنوان اصل قطعی بدهی شناخته و مبنای محاسبه سال بعد قرار گرفته است.

۴. دامنه و شمول توافق: آنچه در توافق‌نامه سه‌جانبه رخ داده، انتقال یک طلب معین به مبلغ ۷,۵۷۰ میلیارد ریال از شرکت سایپا به شرکت لیزینگ رایان سایپا بوده است و نه قائم‌مقامی کلی. به تبع این انتقال، به همان میزان از بدهی شرکت سایپا به لیزینگ کسر گردیده و تهاثر قراردادی صحیح و نافذ است. شرکت لیزینگ رایان سایپا منتقل‌الیه این طلب معین بوده و ذی‌حق در مطالبه کل مبلغ منتقل شده از شرکت سایپا دیزل می‌باشد.

۵. مالیات بر ارزش افزوده: در خصوص ادعای شرکت سایپا دیزل در خصوص معافیت عملیات شرکت لیزینگ از مالیات بر ارزش افزوده و تحمیل هزینه غیرقانونی بر شرکت سایپا دیزل نیز باید گفت، اولاً: مطابق بند ۳-۳ قرارداد فی مابین مالیات بر ارزش افزوده در صورت عدم اجرای توافقتنامه بر عهده خودروساز است. ثانیاً: صورت‌های حسابرسی شده و دفاتر قانونی طرفین نشان از تایید مراتب توسط صاحبان امضاء مجاز، مورد تایید قرار گرفته است. ثالثاً: قراردادهای موضوع

مهر و امضاء

سیرالکداری برای توریست

اختلاف، عملیات لیزینگ به معنی اخص نمی باشد که معاف از مالیات بر ارزش افزوده باشند. با این وصف ادعای شرکت سایپا دیزل در خصوص معافیت عملیات حقوقی فی مابین از مالیات بر ارزش افزوده مردود است.

این رأی قطعی و لازم الاجرا بوده و وفق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و موافقت نامه داوری برای طرفین لازم الاتباع است.

علی صادقی گلستفیدی

داور مرضی الطرفین